

# از نگاه ولایت

آگاهی و بصیرت از منظر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی



❖ مصطفی خدای

پژوهشگر و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

## اهمیت و جایگاه آگاهی و بصیرت

### • اگر آگاهی ملت ایران نبود، سرنوشت بدی برای کشور رقم می‌خورد

ملت ایران این حرکت عظیمی را که موجب حیرت بینندگان جهانی شد، به کمک سه عنصر اساسی انجام داد: یکی، اتحاد؛ یکی، حضور و یکی آگاهی. ملت ایران با اتحاد خود با حضور خود و با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید و جریانی نو در اندیشه سیاسی دنیا به وجود آورد. ملت‌های مسلمان احساس هویت کردند و شخصیت پیدا کردند. احساس کردند می‌توانند عقب‌افتادگی‌هایشان را که بر امت اسلامی تحمیل شده بود، جبران کنند. لذا شما می‌بینید حرکت ملت ایران بر روی ملت‌های مسلمان، از شمال آفریقا تا شرق آسیا، اثر گذاشت و ملت‌ها را بیدار کرد. در قضیه فلسطین، در قضیه لبنان، در مسائل عراق و افغانستان جا به جا و قدم به قدم، تأثیر نفس شما ملت ایران محسوس است. این کار بزرگ به برکت این سه عنصر بود.

... مسئله آگاهی، یعنی آن سومین عنصر، نقش بسیار مهمی دارد. مثل نقش اتحاد و وحدت و مثل نقش حضور در صحنه. ملت ایران نشان دادند ملت آگاهی هستند. اگر آگاهی ملت ایران نبود، آن دولت‌های متزلزل و بی‌اعتقاد به انقلاب در سال‌های اول انقلاب، یقیناً سرنوشت بدی را برای این کشور رقم می‌زدند. آنهایی که خودشان صریحاً می‌گفتند به انقلاب عقیده ندارند، آنهایی که می‌گفتند از آمریکا می‌ترسند، صریحاً این را می‌گفتند، آنهایی که نشان می‌دادند که متمایل به نرمش و تواضع در مقابل قدرت‌های بزرگ هستند، اگر بنا بود در رأس کار بمانند، امروز ملت ما مسیر و وضع دیگری داشت و از این عزت، از این پیشرفت و از این اہمیت جهانی برای ملت ایران خبری نبود. امام بزرگوار ما محکم ایستاد و مردم به خاطر آگاهی، به برکت آگاهی‌شان پشت سر امام ایستادند. این آگاهی به مردم کمک کرد.

## اشاره

بسط دانش و تحقیق و رشد علمی و شکوفایی استعداد‌های انسانی و همچنین گسترش آگاهی و معرفت عمومی، از جمله نقاط اساسی انقلاب اسلامی است. جامعه مطلوب اسلام، جامعه‌ای است که در آن، گنجینه‌های فکر و ذهن انسان‌ها که گرانبهارترین ثروت ملی هر جامعه‌ای هستند، استخراج و به کار گرفته شود. این مقاله بر آن است تا از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به بررسی اهمیت و جایگاه آگاهی و بصیرت در گذشته، حال و آینده نظام و جامعه اسلامی پرداخته، وظایف گروه‌های مختلف اجتماعی را در این رابطه تبیین کند.

من می‌خواهم عرض کنم عزیزان من! این آگاهی همیشه لازم است. امروز هم لازم است و فردا هم لازم است. نسل جوان ما خوشبختانه امروز یک نسل غالب در سرتاسر کشور است. جوان‌ها بهوش باشند، بیدار باشند. معیارها مشخص است ... این آگاهی باید اثر کند؛ در بیان خواسته‌های ملت این آگاهی باید تأثیر بگذارد؛ در حضور گوناگون، در مسائل مختلف، این آگاهی بایستی اثر بگذارد ... ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه راه امام و ارزش‌ها و اصول ترسیم‌شده به وسیله امام باشند، به فکر به‌دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.

بنابراین امروز هم، مثل این سی سال گذشته، ملت ایران احتیاج به این سه عنصر دارد: عنصر اتحاد، عنصر حضور در عرصه‌های مختلف و عنصر آگاهی. اگر ملت این سه چیز را که همه از برکات ایمان بالله و از برکات تعالیم قرآن است، داشته باشد، من به شما عرض بکنم، هم دنیا خواهد داشت و هم آخرت. ملت به برکت ایمان خود، به برکت اعتقاد خود، به برکت تمسک خود به ذیل عنایت نبی مکرم و اهل بیت عصمت و تعالیم قرآن و اهل بیت خواهد توانست هم دنیای خود را از آنچه که هست، بمراتب بهتر کند و هم رضای الهی را کسب کند. این، خط کلی ماست.<sup>۱</sup>

#### • اگر آگاهی ملت نبود، کارها سخت می‌شد

ما از خدا کمک خواستیم و به او تکیه کردیم؛ زیرا بدون هدایت و کمک او، از ما کاری ساخته نبود و نمی‌توانستیم به این همه افتخار و سربلندی دست پیدا کنیم و دشمن جهانی را داغدار سازیم. خوشبختانه به برکت انقلاب و اسلام، ملت ما آگاه است. این نعمت بزرگی است که ملت‌های دیگر کمتر از آن بهره برده‌اند. اگر آگاهی شما ملت نبود، کارها سخت می‌شد و دست دشمن

بر مقدرات این مملکت باز می‌شد و فشار دشمن مانند گذشته بر ما ممکن می‌گشت؛ لیکن آگاهی شماست که جلوی دشمن را گرفته است.<sup>۲</sup>

اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و احاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاوه‌گویی‌های تبلیغات جهانی، به کلی سلب شده است.<sup>۳</sup>

#### • آگاهی و هوشیاری ملت ایران، مایوس‌کننده دشمنان

دنیا امروز متوجه ملت ایران است. ما ملت ایران باید بتوانیم در پرتو تعالیم اسلام، با تمسک به اسلام و قرآن و در جهت رهنمودهای امام بزرگوار راحل‌مان، به‌سمت هدف‌های متعالی این انقلاب، حرکت‌مان را با شتاب هرچه بیشتر ادامه بدهیم. یک لحظه توقف جایز نیست. ما باید بدانیم دشمنان زخم‌خورده، آنهایی که امیدوار بودند اسلام از دنیا محو بشود و علی‌رغم خواست آنان، اسلام روزبه‌روز در دنیا عالمگیرتر شده است، همچنان در کمینند تا ما یک لحظه غفلت کنیم. لذا غفلت برای ما حرام است. ملت ایران، با قدرت و استقامت و توکل به خدا و اتحاد کامل و شرکت در سازندگی عمومی کشور و با آگاهی و هوشیاری خود، باید دشمنان، یعنی آمریکا و ارتجاع و زخم‌خوردگان را از دست‌اندازی به این انقلاب و به کشور عزیزمان مأیوس کند. استکبار جهانی از ملت ایران می‌ترسد؛ مثل همه بدکاران و راهزنانی که از انسان‌های شجاع و آگاه می‌ترسند.<sup>۴</sup>

اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد.

## • نظام، به آگاهسازی مردم نیازمند است

نظام مردمی، جز با آگاهی مردم ممکن نیست پیش برود. نظام دیکتاتوری، نظام غیرمردمی، نظام کودتایی، نظام تحمیلی که با مردم سر و کاری ندارد، دست مردم کاری ندارد، با فکر مردم سر و کاری ندارد، برایش مهم نیست که مردم بفهمند یا نفهمند. چه آنجا که شمشیر حاکم است و چه آنجا که سرمایه حاکم است، فرقی نمی‌کند، اگر دشمنی و مخالفتی هم با نظام شد، بالاخره سر و کارش با پول یا شمشیر است و کاری به اراده و خواست مردم ندارد. بنابراین، برای آن نظام، آگاهی مردم مهم نیست. می‌خواهند بدانند، می‌خواهند ندانند.



مسئولان یاوه‌گوی رژیم گذشته، یک وقت گفته بودند که «هر کس با ما مخالف است، از این مملکت بیرون برود!» برخورد نظام‌های غیرمردمی با مردم چنین است. البته گاهی، ریاکارانه، اسم مردم را می‌آورند؛ لکن تظاهر است و واقعی نیست. نظام مردمی، که مردم در بافت اصلی آن دخالت دارند، مستغنی از آگاهی مردم نیست. باید مردم را آگاه کند؛ باید به آنها قوت تحلیل بدهد و باید آنها را از آگاهی‌ها و معلومات لازم و مفید و معرفت لازم سرشار کند. منظور، تبلیغات نیست که حرف‌های خودش را پیوسته به خورد مردم دهد؛ نه. مراد این نیست. در نظام مردمی، مردم باید اهل تحلیل شوند

در نظام مردمی، مردم باید اهل تحلیل شوند تا بفهمند که نظام برایشان مفید است. آگاهی برای چنین نظامی، مثل آب و هوا، لازم و واجب است. نظام ما، این‌گونه است. هر چه مردم بیشتر آگاه باشند، نظام جمهوری اسلامی بیشتر سود می‌برد. بنابراین این نظام، به آگاهسازی مردم نیازمند است.

تا بفهمند که نظام برایشان مفید است. آگاهی برای چنین نظامی، مثل آب و هوا، لازم و واجب است. نظام ما، این‌گونه است. هر چه مردم بیشتر آگاه باشند، نظام جمهوری اسلامی بیشتر سود می‌برد. بنابراین این نظام، به آگاهسازی مردم نیازمند است.<sup>۵</sup>

## • آگاهی از توانایی‌های خود یکی از شرایط رقم‌زدن آینده است

دانشجویان و دانش‌آموزان که جوانان فعال در عرصه علم و دانش و معرفت و آگاهی‌اند و خود را برای آینده اداره کشور در لایه‌های مختلف آماده می‌کنند، در واقع امیدهای آینده ملت و جامعه‌اند. یعنی این کشور و این ملت و این نظام برای آینده خود نیاز به این جوانان دارد. پس یکی از عناصر اصلی برای عزت هر کشور و تأمین آینده هر کشور، جوانانی هستند که امروز مشغول تحصیلند. هرچه تحصیل اینها، کار کرد اینها، پرورش فکری و اخلاقی و دینی اینها بهتر و بیشتر باشد، آینده کشور از همه نظر بیشتر تأمین است؛ علاوه بر این که در هر برهه‌ای از زمان هم، دانشجویان و دانش‌آموزان می‌توانند به تناسب آن برهه و نیازی که کشور در آن برهه و مقطع زمانی دارد، نقش ایفا کنند... شجاعت و رشادت و آگاهی از توانایی‌های خود و اقتداری که به خاطر ایمان در این ملت وجود دارد هم، یکی از شرایط رقم‌زدن آن آینده است.<sup>۶</sup>

## • ملتی که آگاهانه حرکت می‌کنند همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود

برادران و خواهران عزیز! خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می‌فرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت می‌کنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» خود پیغمبر با بصیرت حرکت می‌کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است.

بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است.<sup>۷</sup>

### • بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، ببینند و بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید. یک روز شما می‌خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می‌شود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز می‌خواهید بروید قلعه دماوند را فتح کنید، آنجا دیگر تجهیزات خودش را می‌خواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.<sup>۸</sup>

### آگاهی سیاسی

### • اقتدار سیاسی در گرو آگاهی سیاسی است

اقتدار سیاسی هم پایه‌ای از اقتدار ملی است. اقتدار سیاسی چیست؟ اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آنها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آنها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند؛ کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آنها انگشت ایداء دراز کند. اقتدار سیاسی، که بخشی از اقتدار ملی است، این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور، چه آنهایی که اسم حزب و گروه دارند و چه آنهایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی و روحانی و سایر

مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی‌اند؛ گرچه حزبی هم ندارند بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است.<sup>۹</sup>

### • العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس

آگاهی سیاسی را در خودتان تقویت کنید که فریب تبلیغات دشمن را نخورید. این هم یک رکن اساسی است. از این هم نمی‌شود گذشت. به‌خصوص شما جوانانی که مشغول تحصیل علم هستید، نمی‌توانید از این بگذرید.<sup>۱۰</sup>

... امروز شما اگر عالم هم باشید، بسیار باتقوا هم باشید، اما زمانتان را نشناسید، آن وقت آسیب‌پذیر و لغزش‌پذیر و کم‌فایده خواهید بود؛ آن طوری که دیگر حکایتش فصل مفصلی است؛ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس». ما کسانی را دیدیم که عالم هم بودند، بی‌دین هم نبودند، اما در دورانی که می‌توانستند برای اسلام و مسلمین مفید واقع بشوند، مفید واقع نشدند؛ بعضاً حتی خدشه‌ها و ضررهایی هم وارد کردند! پس، شد علم و تقوا و آگاهی سیاسی و اجتماعی؛ که این آگاهی، سلاحی است که در اختیار شما قرار دارد. با این سه خصوصیت، باید سربازان خط مقدم هم باشید.<sup>۱۱</sup>

### • اگر بصیرت وجود داشت، آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود

باید بصیرت داشت. آنچه انسان از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.

دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می‌کند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است؛ ما بصیرت خودمان را در

مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم!<sup>۱۲</sup>

### • اگر بصیرت سیاسی نباشد، دوست و دشمن اشتباه گرفته می‌شوند

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال می‌زنم به جبهه جنگ. اگر شما تو جبهه جنگ نظامی، هندسه زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسایی می‌روند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسایی است؛ شناسایی از نزدیک که زمین را بروند ببینند؛ دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسایی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بینید که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش می‌کند به طرفی که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمی‌داند دیگر، عرصه سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد. در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.<sup>۱۳</sup>

### آگاهی دینی

### • وقتی ایمان با آگاهی همراه شد، معجزه می‌کند

در کشور خود ما سال‌های متمادی علیه ایمان مذهبی با دو شیوه متنوع مبارزه کردند: یک شیوه، شیوه رضاخانی، با قلدری و زور و سر نیزه؛ و یک شیوه هم شیوه مدرن فرهنگی دوره محمدرضاشاهی. انواع و اقسام روش‌ها را به کار بردند برای اینکه مردم را از دین منصرف کنند. اما شما ببینید بعد از گذشت پنجاه سال از حکومت ظالمانه آنها، آن حرکت عظیم اسلامی اتفاق افتاد. ایمان مردم اینگونه عمل می‌کند. ما باید روی ایمان مردم این‌طور حساب کنیم. این یکی از نقاط قوت ماست. این ایمان هر چه آگاهانه‌تر شود و هر چه با مشاهده رفتار و گفتار و عمل ما پایه‌اش محکم‌تر گردد، برای این انقلاب پشتوانه بهتری خواهد بود.<sup>۱۴</sup> ... ملت ما ملتی است که

تاکنون با نیروی آگاهی خود حرکت کرده است. وقتی ایمان با آگاهی همراه شد، معجزه می‌کند. دشمنان ما هر جا توانستند، از ناآگاهی‌ها استفاده کردند.<sup>۱۵</sup>

### • وقتی دین در یک جامعه بود، آگاهی و هوشیاری هم هست

دین علاج‌کننده است. وقتی روح دینی در ملتی بود، اثر آن فقط این نیست که از لحاظ شخصی، مردم خوب و پاکیزه و پارسایی خواهند شد؛ اثر روح دینی، در زندگی اجتماعی منعکس می‌شود؛ اگر دین درست باشد. برای همین هم بود که با دینی که امام ترویج می‌کرد، اسلامی که امام آن را اسلام ناب می‌نامید، همه دشمنان بزرگ دنیا و دنباله‌هایشان در داخل کشور، شروع به مخالفت کردند؛ به‌عنوان اینکه این دین، سیاسی و حکومتی است. گاهی هم دایه دلسوزتر از مادر می‌شدند، حالا هم گاهی می‌شوند، که آقا شما دین سیاسی و دین حکومتی را که مطرح می‌کنید، دین از نظر مردم ضعیف می‌شود؛ ایمان دینی مردم سست می‌شود! این، درست عکس واقعیت است. وقتی دین در یک جامعه بود، روح فداکاری در آن جامعه هست. وقتی دین در یک جامعه بود، آگاهی و هوشیاری و احساس مسئولیت در یک جامعه هست. این که شما می‌بینید امروز در جامعه و کشور ما نسبت به مسائل دینی، تا آنجایی که به اطلاع مردم می‌رسد، در مردم احساس مسئولیت و احساس غیرت هست، این به‌خاطر روح دینی است. دشمن می‌خواهد این روح را تضعیف کند.<sup>۱۶</sup>

### چه باید کرد؟

#### عموم مردم

• بصیرت و آگاهی خودتان را بالا ببرید  
اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهایی که بعضی از افراد می‌کنند، می‌بینید در جامعه خودمان هم گاهی بعضی از عامه مردم و بیشتر از نخبگان خطاهایی می‌کنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر هم بیشتر نباشد، کیفیاً بیشتر از خطاهای عامه مردم است، بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی‌ها پیش، نمی‌گوییم همه‌اش.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «لا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». می‌دانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن هم همان حرفهایی را می‌زد که دوست می‌زد؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین می‌خواندند، تواردوگاه طرف مقابل هم در جنگ جمل و صفین و نهروان می‌خواندند. حالا شما باشید، چه کار می‌کنید؟ به شما می‌گویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما می‌گویید: آقا! این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی می‌خواند: «أمن هو قانت اناء اللیل» آیه قرآن را نصفه شب دارد می‌خواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان‌دهنده‌ای، یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی می‌خواند. ای کاش من یک مویی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت می‌رود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت می‌روم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالا سر کشته‌های دشمن، همین‌طور عبور می‌کرد و می‌گفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند می‌کردند، حضرت با اینها حرف می‌زد. آنها مرده بودند، اما می‌خواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را می‌شناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک می‌خواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) می‌ایستد، شمشیر می‌کشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمی‌تواند اوضاع را بفهمد.<sup>۱۷</sup>

### • نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند

هر چه می‌توانید در افزایش بصیرت خود،

در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله مهم‌ترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «انما بده الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تتبدع یخالف فیها کتاب‌الله». در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهنالك یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود. این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.<sup>۱۸</sup>

### • امروز کتابخوانی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است

امروز هر اقدامی که به گسترش سطح آگاهی عمومی بینجامد و نیروی تفکر و قدرت درک معارف را در مردم بالاستعداد ما تقویت کند، حسنه‌ای بزرگ است. کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده‌اند و می‌آورند و در این مجموعه بی‌نظیر، آموزش‌های آسمانی و درس‌های پیامبران به بشر، دانش‌ها و شناخت‌هایی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آن امکان‌پذیر نیست. کسی که با این دنیای زیبا و زندگی‌بخش، دنیای کتاب، ارتباط ندارد، بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. برای یک ملت، خسارتی بزرگ است که افراد آن، با کتاب سر و کاری نداشته باشند و برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن یعنی آموختن چیزهای تازه باشد. با این دیدگاه، به روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق این حقیقت تاریخی را

دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این است که: بخوان! و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند فرود آمده، نام قلم به تجلیل یاد شده است: «اقرأ و ربك الأكرم، الذی علم بالقلم». با تلخی باید اعتراف کنیم که رواج کتاب و روحیه کتابخوانی در میان ملت عزیز ما که خود یکی از مشعل‌داران فرهنگ و کتاب و معرفت در طول تاریخ پس از ظهور اسلام بوده است، بسی کمتر از آن چیزی است که از چنین ملتی انتظار می‌رود. و این پدیده نیز مانند بیشتر پدیده‌های ناگوار در کشور ما، نتیجه فرمانروایی پادشاهان و فرمانروایان ظالم و فاسد و بی‌فرهنگ و بی‌سواد بر این کشور در دویست سال گذشته است. در دورانی که برخی ملت‌های دیگر به سوی دانش و پژوهش و معرفت روی آورده بودند، ملت کهن

گزارش‌های همان روزگار، در شهر تهران و برخی شهرهای دیگر، شماره میخانه‌ها بیش از شماره کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها و یا چند برابر آنها بود. اکنون ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌ها را جبران کند. اینک فرصت بی‌نظیری از حکومت دین و دانش بر ایران پدید آمده است که باید از آن در جهت اعتلای فکر و فرهنگ این کشور بهره جست. امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیشتر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند، اگر چه آنگاه که انس با کتاب رواج یابد، کتابخوانی نه یک تکلیف، که یک کار شیرین و یک نیاز تعلل‌ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویش‌تن، تلقی خواهد شد، و نه تنها جوانان، که همه نسل‌ها و قشرها از سر دلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد.<sup>۱۹</sup>

هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاء‌الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.



و بااستعداد ما در زیر سلطه آن انسان‌های پلید و خودپرست و زورگو و نااهل، از دانش و معرفت دور ماند و در دوره اخیر که حکومت دست‌نشانده و فاسد پهلوی همه کارها را برابر خواست بیگانگان و دشمنان این ملت و به زبان این ملت انجام می‌داد، نه تنها تلاشی برای ترویج کتاب و کتابخوانی نشد، بلکه با ایجاد سرگرمی‌های ناسالم و دامن‌زدن به آتش غرایز جنسی در میان جوانان، این ضرورت فوری و فوری را هر چه بیشتر، از میدان دید و توجه مردم، بیرون راندند و در یکی از بهترین دوران‌هایی که شرایط جهانی، دگرگونی‌های اساسی در وضع نابسامان ملت ایران را برمی‌تافت، ملت مظلوم ما را از آن محروم ساختند و کار را به آنجا رساندند که برابر

**خواص و نخبگان و مسئولان**  
**• نخبگان باید بصیرت را در خود و دیگران به وجود آورند**  
 نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، بلکه در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکپه‌و به نفع دشمن می‌پراندند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدم‌های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی‌بصیرتی است دیگر. این بی‌بصیرتی را به خصوص شما جوان‌ها

با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفت‌وگو با انسان‌های مورد اعتماد و پخته، نه گفت‌وگوی تقلیدی، که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمی‌خواهم از بین ببرید. کسانی هستند که می‌توانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند. و حتی حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) هم از این ابزار در شروع نهضت و در ادامه نهضت استفاده کرد. امام حسین را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین است. به تبیین او، امر به معروف او، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در همان منی و عرفات، خطاب به علما، خطاب به نخبگان حضرت بیانات عجیبی دارد که در کتاب‌ها ثبت و ضبط است. بعد هم در راه به سمت کربلا، هم در خود عرصه کربلا و میدان کربلا، باید شناخت. در خود عرصه کربلا حضرت اهل تبیین بودند، می‌رفتند،

مقابلش را خواهند کرد؛ کمالین که الان هم دارند می‌کنند؛ البته طرق مختلفی دارند.

آگاهی سیاسی داشتن و بینش سیاسی پیدا کردن، یک مسئله است؛ اما در معرض سیاست‌بازی سیاست‌بازان قرار گرفتن، مسئله دیگری است. اینها چیزهایی است که به‌رحال در محیط دانشگاه خیلی مهم است. اگر اینها انجام شد، آن وقت طبعاً ظواهر دینی هم به خودی خود در دانشگاه رعایت خواهد شد.<sup>۲۱</sup>

### هنرمندان

**• برای آگاه کردن ذهن مردم، چه وسیله‌ای از طنز هنرمندانه بهتر و کاری‌تر؟!**

طنز صادق و دلسوزانه باید همه نقاط میوب، به خصوص آنها را که کمتر به چشم می‌آیند و آنها که بیشتر به علم و اطلاع همگان از آن نیاز هست، هنرمندانه ببیند و بنمایاند. امروز جامعه و نظام انقلابی ما با دشمنانی روبه‌روست که

عمومی و رسانه‌های جمعی و روزنامه‌ها و همه کسانی که با مردم سر و کار دارند، موظفند مردم را نسبت به مسائل مهم کشور و انقلاب و آنچه بر انقلاب و مسیر آن می‌گذرد و دشمنی‌هایی که می‌شود و نفوذی‌های داخلی آن دشمن‌ها، آگاه و روشن کنند. باید مردم همه مسائل مهم کشور را بدانند.<sup>۲۳</sup>

... مهم‌ترین وظیفه مطبوعات در نظام اسلامی، نقش فرهنگی آنان در معرفی و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های مورد قبول این امت انقلابی و بالابردن سطح آگاهی و معرفت آنان است.<sup>۲۴</sup>

### • مأموریت، الزامات و اهداف کلان

#### رسانه ملی

ما یک مأموریت محوری برای رسانه ملی قائل هستیم که الزاماتی دارد و این مأموریت ملی اهداف کلانی را هم با خودش همراه دارد. به‌نظر

اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را نشناسید، دشمن را نشناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه تبلیغات شما و گفت‌و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعد، نه دشمنان.

صحبت می‌کردند. حالا میدان جنگ است، منتظرند خون هم را بریزند، اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده می‌کردند که بروند با آنها صحبت بکنند، بلکه بتوانند آنها را بیدار کنند. البته بعضی خواب بودند، بیدار شدند؛ بعضی خودشان را به خواب زده بودند و آخر هم بیدار نشدند. آنهايي که خودشان را به خواب می‌زنند، بیدار کردن آنها مشکل است، گاهی اوقات غیر ممکن است.<sup>۲۰</sup>

### • محیط دانشگاه، باید دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه بانشاط دانشجویی باشد

شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه، محیطی باشد که در آن، پرورش دانشجوی، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه بانشاط دانشجویی باشد. این، یکی از کارهایی است که شما باید بکنید؛ اگر شما نکرديد، دشمنان این ملت، نقطه

همه ابزارهای محسوس و نامحسوس را برای ضربه‌زدن و جریحه‌دار کردن مردم و نظام و انقلاب به کار می‌برند. برای آگاه کردن ذهن مردم از خدعه دشمن، چه وسیله‌ای از طنز هنرمندانه و شیرین و زیرکانه، بهتر و کاری‌تر؟!<sup>۲۲</sup>

### رسانه‌ها

### • آگاه کردن مردم نسبت به مسائل مهم کشور

امروز، همه امور کشور، به همه مردم در شهرهای دوردست و روستاهای دورافتاده و عشایر و چادرنشین‌ها و مردم شهرهای بزرگ مربوط است. اقتصاد کشور هم به‌وسیله مردم با پشتیبانی آنها باید زنده و فعال بشود. سیاست و استقلال و حضور در صحنه بین‌المللی و مبارزه با استکبار جهانی هم باید به وسیله مردم و با علم و آگاهی آنها انجام بشود و به همین خاطر است که گویندگان و صدا و سیما و ارتباطات

ما آن مأموریت محوری عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب‌زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت، یعنی روحیه‌دادن و زدودن احساس عقب‌ماندگی.

... این مأموریت الزاماتی دارد. رسانه ملی اگر بخواهد به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی در کشور، از عهده این کار بر بیاید، باید این چیزها را در خودش تأمین کند: امین نظام باشد، مورد اعتماد مردم باشد و برخوردار از مزیت‌های رقابتی باشد. امروز رقبای ما زیادند؛ چه رقبای منطقه‌ای و چه رقبای بین‌المللی. ما باید در مقابل این رقبا خود را از مزیت‌های رقابتی برخوردار کنیم. ظرفیت بالا در کم و کیف محصولات، هر دو مورد نظر است. نباید کمیت، کیفیت را تحت‌الشعاع قرار دهد و بعکس. اگر این چیزها تحقق پیدا کند - که هر کدام

از اینها شرایط و مقدماتی دارد و باید هم این مقدمات فراهم شود و تحقق پیدا کند - آنگاه شما خواهید توانست هدایت و مدیریت افکار عمومی را از لحاظ فرهنگ و اخلاق و رفتار و روحیه و امثال اینها کاملاً در دست داشته باشید؛ هیچ کس نمی‌تواند با شما در این زمینه رقابت کند.

هدف‌های کلان ما در این زمینه چیست؟ اول، ارتقاء معرفت دینی روشن‌بینانه. من روی عنوان «روشن‌بینانه» تکیه می‌کنم. معرفت دینی باید ارتقا و گسترش پیدا کند؛ اما یک معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه.

دوم، رفتار دینی مخلصانه. باز روی کلمه «مخلصانه» می‌خواهم تکیه کنم. رفتارهای دینی می‌تواند ریاکارانه و متصنعانه و ظاهرسازانه باشد، می‌تواند مخلصانه هم باشد. ما باید مردم را به رفتار و عمل دینی، یعنی عمل صالح، بکشانیم

معدود می‌رسد، که یکی از آنها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار گره‌گشا و پیشبرنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید.<sup>۲۵</sup>

### مبلغان دینی

### • بالابردن سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی خود

اینکه ما می‌گوییم روحانیون - حالا روحانیونی که درگیر کار سیاسی هم نیستند؛ روحانی است، مدرس است، پیشنهاد است، مشغول یک شأنی از شئون روحانی است - سیاسی باشند، یعنی چه؟ این، آن نکته اساسی است؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسی داشته باشند. من همیشه به

هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه‌ای، پیش‌آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می‌کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند. بنابراین، یک وظیفه مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره‌گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست.<sup>۲۶</sup>

اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجه چیست، و

مأموریت محوری رسانه ملی عبارت است از مدیریت و هدایت فکر، فرهنگ، روحیه، اخلاق رفتاری جامعه، جهت‌دهی به فکر و فرهنگ عمومی، آسیب‌زدایی از فکر و فرهنگ و اخلاق جامعه، تشویق به پیشرفت، یعنی روحیه‌دادن و زدودن احساس عقب‌ماندگی.



و این عمل، مخلصانه از آنها صادر شود. سوم، ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیان‌های فکری انقلاب و نظام اسلامی. صرف این که ما در زمینه انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌ای و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به وجود بیاید؛ این، کار رسانه ملی است.

چهارم، مصونیت‌دادن به ذهن جامعه از تأثیر مخرب تهاجم فرهنگی و ارزشی دشمن، که اشاره شد.

پنجم، باور به کارآمدی نظام. ششم، ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت و وحدت در درون کشور و میان مردم. باید روحیه محبت، وحدت، همگرایی و ارتباط و پیوند در میان مردم تقویت شود.

هفتم، آگاه‌سازی نسبت به مقوله‌های حساس؛ مثل علم. مسئله علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل

دانشجوها و طلبه‌ها می‌گوییم، به شما هم عرض می‌کنم، و این به همه روحانیت مربوط می‌شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت‌دست‌شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی است که جهت را درست نشان بدهد. گاهی ما طلبه‌ها اشتباه می‌کنیم؛ قطب‌نمای ما درست کار نمی‌کند و جهت‌یابی سیاسی را درست نشان نمی‌دهد. این، چیزی نیست که به خودی خود و یک شبه به وجود بیاید؛ نه، این مزاولت در کار سیاست لازم دارد؛ باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه‌ها امروز به اینها نیاز دارند. یک گوشه‌ای نشستن، سرخود را پایین انداختن، به

اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی‌های امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.

همیشه کتک و توسری را کسانی می‌خورند که بین دو جناح بازیگر قرار گیرند و ندانند چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد و چه عواملی صحنه بازی را به نفع خود تغییر می‌دهند. بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عاملی چه اعلم‌العلما باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد ضروری است؛ منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهی‌های بیشتر و وسیع‌تری مورد لزوم است.

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریان‌ات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ به خصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاست‌ها عوض شد و دولت‌های اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی



تعرض کردند.

هرگاه ما عالم دین و تقوی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه اسلامی را تحت فشار قرار می داد ... دیگر نباید تسلیم ناآگاهی ها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خودمان تقویت کنیم.<sup>۳۷</sup>

### • روشن کردن ذهن مردم

مبلغ دین باید در هر سطحی که مخاطبین خود را مشاهده می کند، برای بالا بردن آنها از آن سطح، همت بگمارد و باقی ماندن مخاطبین خود را در یک نقطه، تحمل نکند. اساس کار تبلیغ، برپیش بردن مخاطب است. باید آنها را آگاه کرد و ترقی و رشد فکری داد و در جهت آگاهی دینی و تقرب به پروردگار و کمالات نفسانی پیش برد؛ مثل شاگردی که انسان او را روزبه روز تربیت می کند و پیش می برد.<sup>۳۸</sup>

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فرارگفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مؤمنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دل ها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شیخیون نامردانه دشمن همین است؛ از این به شدت نگرانم. می خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، در محیط های مختلف - در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه - کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل کار آنها، همین

کار و مجاهدت فی سبیل الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لم یکن منافسة فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام».<sup>۳۹</sup>

### جوانان

#### • جوان باید بصیرت و آگاهی داشته باشد

... در سال های آینده و در همه دوره های عمر شما جوانان - که ان شاء الله طولانی باد و طولانی خواهد بود - با بسیاری از مسائل مواجه خواهید شد. هر انسان زنده ای طبعاً با مسائل فراوانی مواجه می شود. حالا آیا این مسائلی که در سال های آینده وجود خواهد داشت، دشوارتر از مسائلی خواهد بود که ما آن را فرضاً در دهه های گذشته تجربه کردیم، یا آسان تر خواهد بود؛ این هم قابل تشخیص نیست. یعنی نمی شود الان گفت که مسائل آینده ما دشوارتر خواهد بود از آنچه که در گذشته داشتیم؛ نخیر، ما این را نمی توانیم یقیناً بگوییم - ممکن است باشد، ممکن است نباشد - اما آن که من می توانم به شما جوانان سفارش کنم، این است که جوان اولاً باید احساس مسؤلیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسئول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد. ثانیاً با ایمان حرکت کند. ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه میدان ها و نیز پیروزی بر همه موانع دارد. ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را در خودشان تأمین کنند، که البته کار چندان آسانی نیست؛ اما بسیار ممکن هست، من خیال می کنم که هر وضعی دنیا پیدا کند - ارتباطات پیشرفت کند، تمدن های گوناگون به عرصه بازار تمدن ها در دنیا پا بگذارند، قدرت بزرگی در دنیا از بین برود، قدرت جدیدی به وجود آید؛ ایران چالش های گوناگونی در مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره با دیگران داشته باشد، نداشته باشد - در همه زمینه ها شما می توانید موفقیت خودتان را تضمین کنید. سعی کنید این سه خصوصیتی را که من گفتم، در خودتان به وجود آورید. ببینید؛ من که می گویم سعی کنید به وجود آورید، اعتقاد این است که سعی ها یک اندازه نیست، یک اندازه هم موفق نیست؛ اما اعتقاد دیگرم این است که هر کسی سعی کند، بالاخره توفیقی خواهد داشت.<sup>۴۰</sup>

### • در درون خودتان ایمان آگاهانه را تقویت کنید

خب؛ ببینید؛ زندگی حادثه دارد. این یک نوع حادثه است، یک نوع حادثه هم ممکن است در خود انسان پیش آید. در یک نوع حادثه، ممکن است گناهکاری هم وجود نداشته باشد. در این حادثه، خوشبختی شما این است که گناهکاری وجود دارد و ان شاء الله مجازات هم خواهد شد. چون آدم همیشه در حوادث، دنبال یک گناهکار می گردد - معمولاً این گونه است - پایش هم که به لیوانی بخورد و چپه شود، می گوید چرا این لیوان را اینجا گذاشتید! یعنی معمولاً آدم به دنبال گناهکاری می گردد. آن حادثه ای که هیچ گناهکاری هم در آن نیست، وجود دارد. آن قدر حوادث هست که به انسان صدمه می زند، ولی آدم نمی تواند یقه کسی را هم بگیرد؛ آدم هیچ نمی تواند کسی را گناهکار قلمداد کند؛ از این حوادث، در زندگی انسان خیلی هست. این حوادث، گاهی مسیر آدم را عوض می کند، در دل انسان تردید ایجاد می کند، راه ها را جلوی انسان بن بست وانمود می کند. اگر بخواهید در این حوادث این گونه نشود، همیشه نشاطان، اراده تان، قدرت تان و عزم راسخ خودتان را در ادامه راه های درست زندگی داشته باشید. بایستی در درون خودتان آن ایمان آگاهانه را تقویت کنید؛ البته ایمان و آگاهی. آگاهی را باید با کتاب و شنیدن از افراد اهل معرفت یاد بگیرید. ایمان را هم به نظر من باید با به کار گرفتن همین مایه ایمانی که الان دارید، زیاد کنید. این ایمان، سرمایه عجیبی است. بحمدالله همه شما بچه های مؤمنی هستید و در خانواده های مؤمنی تربیت پیدا کرده اید. اگر شما همین ایمانی را که الان دارید، به کار بگیرید، یعنی عمل صالح را بر آن مترتب کنید، گناه نکنید، حتی المقدور کارهای ثواب را به بهترین وجهش انجام دهید و در بین گناهان، از آن گناهی که به خودخواهی های انسان ارتباط پیدا می کند، بیشتر اجتناب از آنهاست که ظلم به کسی است، بیشتر اجتناب کنید، از بعضی حرف های نامناسبی که انسان نسبت به بعضیها ممکن است بزند، اجتناب کند، حتی انسان بتواند ذهن خود را از بعضی چیزها خالی کند، اینها عمل های صالح تری است. این عمل ها، همین مایه ایمان را افزایش می دهد. یعنی ایمان، این گونه است که اگر با عمل همراه شد، مرتب خود آن ایمان روزبه روز زیادتر خواهد

شد. اگرچه آن آگاهی هم - که گفتم بایستی انسان از اهل معرفت و از کتاب و از موعظه به دست آورد- با این عمل صالح همراه باشد، حتی خود آن آگاهی هم بیشتر می شود. «و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه». «و من یؤمن بالله یرزقه من حیث یشاء» خدا دل او را هدایت می کند. این آیه، مورد نظر من بود. خود تقوا و مراقبت، دل انسان را هدایت و ایمان انسان را راسخ تر می کند.<sup>۳۳</sup>

### • آگاهی سیاسی یکی از عوامل تقویت کننده جوانان

من به جوانان چند توصیه دارم؛ اولین توصیه خود را عرض می کنم: جوانان عزیز! این نیروی جوانی، این نشاط جوانی و این قدرتی را که

امروز می توانند در دوره جوانی خودشان مسئولیت ایفا کنند؛ علاوه بر اینکه فردای این جوانان و فردای اداره این کشور بزرگ با دست هایی است که در محیط اسلامی تربیت شده و تقویت یافته است.<sup>۳۳</sup>

### • آگاهی های شما از مسائل جهان باید بالا برود

من کلاً به جوان ها و به خصوص به دانشجویان و طلاب توصیه می کنم که آگاهی های خودشان را افزایش دهند. بسیاری از این کجروی هایی که شما ملاحظه می کنید، ناشی از کمبود آگاهی است. نسل امروز؛ به ویژه نسل جوان ما باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ به خصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بداند. شما در هر رشته ای که تحصیل می کنید، چون جزو نخبگان

الآن هم در کمین آن است، کاملاً می فهمد که در این نظام چه باید بکند. یعنی وظیفه خودش را حس می کند و تشخیص می دهد. جوان ایرانی، هم روشن بین و باهوش است، هم سیاسی است. لذا جای ابهام باقی نمی ماند. بنابراین، علاجه که من پیشنهاد می کنم، کتابخوانی، افزایش مطالعه و کشاندن اجتماعات دانشجویی به بحث های صحیح و حقیقی، نه بحث های انحرافی است. البته بحث خودسازی و درون سازی و نورانی کردن دل و امثال اینها هم بحث های مفصلی است که در جای خود باید مورد تأکید قرار گیرد.<sup>۳۳</sup>

### • احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد

آنچه برای شما جوانان مثل دیگران مهم است، عبارت است از احساس مسئولیت آگاهانه. البته



گویندگان و صدا و سیما و ارتباطات عمومی و رسانه های جمعی و روزنامه ها و همه کسانی که با مردم سر و کار دارند، موظفند مردم را نسبت به مسائل مهم کشور و انقلاب و آنچه بر انقلاب و مسیر آن می گذرد و دشمنی هایی که می شود و نفوذی های داخلی آن دشمن ها، آگاه و روشن کنند.

جامعه هستید، بعد از این هم ان شاءالله جزو نخبگان برتر خواهید بود، باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته و دارد. شما باید به خصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی داند که انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است ... البته در تلویزیون هم برنامه های خوبی گذاشتند و اینها را تشریح کردند. در کتاب هایی هم این مطالب نوشته شده است.

آگاهی های شما از مسائل جهان باید بالا برود. من گمانم این است هر کسی، هر جوانی و هر دانشجویی که بداند این انقلاب و این نظام، کشور را از دست چه گرگ های خون آشامی گرفته و چه زحماتی را در این بیست و دو سال تحمل کرده تا به اینجا رسیده و چه دشمنی هایی با آن شده و

شما جوان و سرشار از نیرو هستید و از حساسیت بیشتری برخوردارید. احساس مسئولیت یعنی انسان همان طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج، و هر چیز مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود او فراتر است هم احساس مسئولیت کند؛ اهدافی که به خود او محدود نمی شود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است. انسان باید در قبال این هدف ها هم احساس وظیفه، تعهد و مسئولیت داشته باشد. هیچ انسان و هیچ جامعه ای بدون این احساس تعهد، به قله های رفیع سعادت نخواهد رسید. این احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد. فرد باید بداند که به دنبال چه چیزی است و موانع راه را بشناسد. این امر همان احساس مسئولیت آگاهانه است. جوان ایرانی،

یک کشور می تواند به آن بالاد، کسی که باید حفظ کند، در درجه اول شما هستید ... اینکه شما می بینید ما در زمینه های اخلاقی و پرهیز و حذر کردن از برخی از آلودگی هایی که بعضی از جوانان به آن دچار می شوند، گاهی زیاد اصرار می کنیم، یک علت عمده اش همین است که آنگونه ابتلائات و آلودگی ها، جوان را از قابلیت سازندگی آینده اش و آینده کشورش خارج می کند و دشمن همین را می خواهد. آن عاملی که شما را تقویت می کند، علم است یعنی درس خواندن و دانستن. ایمان است، یعنی معرفت ایمانی و عمل مذهبی و ایمانی. همبستگی است؛ آگاهی سیاسی است؛ آشنایی با مسائل کشور و مسائل جهان است؛ پرهیز از بعضی از هیجان هایی است که دشمن سعی می کند آنها را به وجود آورد. جوانان،

هوشیار، حساس، آگاه و حاضر در صحنه است و بیش از جوانان سایر مناطق دنیا احساس تعهد و مسئولیت آگاهانه می‌کند. البته ادعا نمی‌کنم که از همه جای دنیا به‌طور دقیق مطلعم؛ اما اخبار زیادی به دست ما می‌رسد. آگاهی‌های ما طرق و بسترهای بسیار متعددی دارد. فهم سیاسی، فکر سیاسی، مطالبه سیاسی، مطالبه آرمانی، حساسیت نسبت به حوادث و حضور در صحنه مواجهه با حوادث در جوان ایرانی، ممتاز و نمونه است و این شامل پسران و دختران هر دو می‌شود. به همین دلیل ما موفقیت‌های بزرگی داشته‌ایم و خطرهایی هم ما را تهدید می‌کند. امروز سیاست مشترکی در همه دنیا، به وسیله مراکز معینی دنبال می‌شود. این سیاست عبارت است از این که جوانان را تا خرخره در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند. این یک سیاست رایج در دنیا است و شامل شرق و غرب می‌شود؛ هر منطقه‌ای آن را با هدفی خاص دنبال می‌کند ... امروز وظیفه ما چیست؟ جوانان عزیز! در این رابطه هم مسئولان وظیفه دارند و هم خود شما موظفید. بعضی از شما جوانان عزیز می‌گویید به ما اعتماد کنید. این، همان اعتماد است. مشکلی که متوجه ملت ایران که اکثراً جوانند است، باید با همت، اراده، ایستادگی، هوشیاری و آگاهی نسل جوان خنثی شود. البته مسئولان و نظام اسلامی وظیفه سنگینی بر عهده دارند. باید بستر این آمادگی فرهنگی و اخلاقی را برای جوانان فراهم کنند؛ اما اولین مسئولیت را جوانان بر دوش دارند. این مسئولیت چیست؟ این مسئولیت آن است که جوان به عنوان یک انسان، خود را امانت خدا و به عنوان یک جوان، ذخیره ملی بداند. دشمنان تلاش می‌کنند این جوان را با مواد مخدر و به شهوات و مسکرات آلوده کنند و با پرداختن به چیزهایی که او را از پیمودن این راه طولانی به سوی قله‌های سعادت و افتخار باز می‌دارد، مشغول و سرگرم نمایند تا در نهایت فاسد شود. جوان بایستی در خود و محیط پیرامونش ایمان و معرفت و اراده را تقویت کند. یکایک شما دختران و پسران باید در محیط دانشگاه، مدرسه، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی مراقب باشید و از نفوذ فساد و رخنه کردن ترشحات آن جلوگیری کنید. باید نسبت به آن حساس باشید.<sup>۳۴</sup>

**آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید**  
فردای این کشور، فردای این ملت، به احساس

مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت خودتان را زیاد کنید، آگاهی‌های خودتان را نسبت به امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه شما جمعیتی که اینجا هستید و نظایر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل کرده‌ای هستید که وارد میدان و عرصه زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیت‌هایی در اختیارتان خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخش‌های مختلف آینده - آن کسانی که طراحند، برنامه‌ریزند، متفکرند، تئوریسین اداره کشور هستند - از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمی‌خیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند، هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین، پاکدامن و بصیر باشند. این نمی‌شود، مگر اینکه شما از حالا خودتان را آماده کنید.<sup>۳۵</sup>

#### پی‌نوشت

۱. بیانات در دیدار مردم بیجا: ۱۳۸۸/۲/۲۸
۲. سخنرانی در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد: ۱۳۸۶/۴/۳
۳. سخنرانی در دیدار با اқشار مختلف مردم نائین و ابرده خراسان و جمعی از خانواده‌های شهدای تهران، گرگان و چهاردنگه، اعضای جمعیت هلال احمر، مسئولان واحدهای فرهنگی بنیاد شهید و خاوران دانشجوی دانشگاه اصفهان: ۱۳۶۸/۶/۲۹
۴. سخنرانی در اولین مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی: ۱۳۶۹/۳/۱۴
۵. بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور: ۱۳۷۵/۲/۱۳
۶. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان: ۱۳۶۹/۸/۱۱
۷. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر: ۱۳۸۸/۷/۱۵
۸. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر: ۱۳۸۸/۷/۱۵
۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۸۰/۲/۲۸
۱۰. بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار: ۱۳۷۳/۸/۱۱
۱۱. سخنرانی در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب و اهدای جوایز به طلاب نمونه حوزه علمیه قم در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج): ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

۱۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: ۱۳۸۸/۷/۲
۱۳. دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر: ۱۳۸۸/۵/۵
۴۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: ۱۳۷۹/۱۱/۲۷
۱۵. بیانات در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم: ۱۳۸۱/۲/۱۱
۱۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۷۸/۷/۹
۱۷. دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر: ۱۳۸۸/۵/۵
۱۸. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر: ۱۳۸۸/۷/۱۵
۱۹. پیام به مناسبت آغاز هفته کتاب: ۱۳۷۲/۱۰/۴
۲۰. دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر: ۱۳۸۸/۵/۵
۲۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، به مناسبت هفتمین سالگرد تشکیل این شورا: ۱۳۷۰/۹/۲۰
۲۲. پاسخ به نامه آقای کیومرث صابری، مدیر مسئول مجله گل‌آقا: ۱۳۷۰/۴/۲۷
۲۳. سخنرانی در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیئت اجرایی انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس و خانواده‌های شهدا، اسرا و مقفودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان: ۱۳۶۸/۹/۲۲
۲۴. حکم انتصاب آقای سید محمد اصغری به سمت نمایندگی ولی فقیه و سرپرستی مؤسسه کیهان: ۱۳۷۰/۷/۲
۲۵. بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما: ۱۳۸۳/۹/۱۱
۲۶. دیدار با روحانیون: ۱۳۸۵/۸/۱۷
۲۷. سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، به همراه نماینده ولی فقیه در خراسان و تولیت آستان قدس رضوی: ۱۳۶۸/۴/۲۰
۲۸. بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان: ۱۳۷۴/۱۰/۲۷
۲۹. بیانات در دیدار جمع زیادی از روحانیون و مبلغان در آستانه ماه محرم الحرام: ۱۳۷۸/۱/۲۳
۳۰. بیانات در دومین روز از دهه مبارک فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان): ۱۳۷۷/۱۱/۱۳
۳۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان مجروح در کوی دانشگاه: ۱۳۷۸/۵/۴
۳۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک: ۱۳۷۹/۸/۲۴
۳۳. بیانات در پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر: ۹۷۳۱/۲۱/۲۲
۳۴. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان: ۱۳۸۱/۱۲/۱۶
۳۵. دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان: ۱۳۷۸/۸/۸